

تأثیر ویژگی‌های خانوادگی و رسانه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر یزد

اکبر زارع شاه‌آبادی^۱

صدیقه ابراهیم‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۴

چکیده

پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، آرمان هر نظام آموزشی و تربیتی است؛ این پیشرفت تحت تأثیر عوامل متعددی همچون هوش و سلامت دانش‌آموز، نوع مدرسه و آموزش، ویژگی‌های خانوادگی و میزان استفاده از رسانه و ... قرار دارد. شناخت و جهت‌دهی مناسب عوامل مؤثر در بطن خانواده به عنوان مکانی که دانش‌آموز بیشترین زمان خود را در آن سپری می‌کند، می‌تواند زمینه‌های بهبود و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را مهیا سازد. این پژوهش به بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی و استفاده از رسانه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر یزد می‌پردازد. به همین منظور تعداد ۱۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر این مقطع با فرمول کوکران به روش تصادفی ساده انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش از آزمون F ، t ، ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره برای بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق استفاده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد، متغیرهای تحصیلات پدر، میزان درآمد خانواده، بعد خانواده، جو روانی و فرهنگی خانواده، دسترسی به رسانه‌ها، کامپیوتر و کلاس‌های مختلف و میزان مشارکت والدین در امور تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معناداری با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. بر اساس مدل رگرسیون، عواملی که بیش از همه میزان پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کند، به ترتیب میزان مشارکت والدین در امور تحصیلی دانش‌آموز، جو روانی و فرهنگی خانواده و بعد خانواده می‌باشد، که در مجموع ۴۵/۷ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تبیین می‌کنند.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، پیشرفت تحصیلی، خانواده، رسانه، مقطع پیش‌دانشگاهی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (A_zare@yazduni.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد (ebrahimpoor_s@yahoo.com).

مقدمه

امروزه نظام تعلیم و تربیت هر جامعه زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای می‌باشد. آموزش و پرورش، یک واقعیت تاریخی و اجتماعی است که در همه ارکان زندگی انسان وجود داشته و دارد (کاشانی، ۱۳۷۵: ۵). آرمان هر جامعه و نظام آموزشی، پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان می‌باشد. پیشرفت تحصیلی را می‌توان چنین تعریف کرد: اگر نوع آموزش، متناسب با توان و استعداد دانش‌آموز باشد و در یادگیری، فاصله‌ای بین توان بالقوه و بالفعل او نباشد، می‌توانیم بگوییم دانش‌آموز به پیشرفت تحصیلی نائل شده است (عصاره، ۱۳۷۸). عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: عوامل فردی، آموزشگاهی و خانوادگی. هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر یزد می‌باشد. محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عاملی است که رشد شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به طور کلی این محیط از دو بعد بر آموزش و پرورش افراد تأثیر می‌گذارد: اول اینکه والدین و سایر اعضای خانواده با توجه به میزان تحصیلات و آموزش‌های سنتی خود، به صورت مستقیم بر معلومات کودکان تأثیر می‌گذارند و دوم آنکه، خانواده کودکان به صورت غیر مستقیم با در اختیار قرار دادن امکانات و تسهیلات و انتخاب نوع مدرسه آن‌ها، چگونگی و میزان یادگیری و آموزش آنان را در مدرسه تعیین می‌کنند (کاشانی، ۱۳۷۵: ۹۲).

ویژگی‌های والدین مانند میزان تحصیلات والدین، میزان درآمد خانواده، ابعاد خانواده، جو فرهنگی و روانی خانواده، میزان مشارکت والدین در امور تحصیلی دانش‌آموزان و غیره از عوامل تأثیرگذار بر آینده تحصیلی فرزندان می‌باشند، به طوری که اگر نظام آموزشی و دانش‌آموزان، مایل به حداکثر رساندن پتانسیل خود در امر تحصیل هستند، نیاز به پشتیبانی کامل خانواده و والدین دارند. به طوری که در برخی کشورها همانند شمال آمریکا، اروپا، اسکانندیناوی و بریتانیا تمام تلاش دولت معطوف به افزایش دخالت خانواده در آموزش و پرورش است (دسفورگس و آبوچار^۱، ۲۰۰۳: ۴).

از سویی موفقیت و جلوگیری از افت تحصیلی فرزندان با توجه به اینکه آینده آن‌ها با

1 . Desforges and Abouchaar

موفقیت تحصیلی‌شان مرتبط است، برای خانواده‌ها بسیار اهمیت دارد. کمتر خانواده و والدینی هستند که به وضعیت تحصیل فرزند خود بی‌توجه بوده و در این باره مساعدتی نداشته باشند. هرچند عوامل غیر قابل کنترل، همچون بهره‌ هوشی که به طور ژنتیکی منتقل می‌شود و برخی از عوامل پیش‌بینی‌نشده به طور ناخودآگاه و سهوی، بر وضعیت تحصیلی فرزندان تأثیر می‌گذارد و یا والدین را از رسیدگی به اوضاع تحصیلی آنان دور می‌کند؛ اما نگرانی از ضعف تحصیلی فرزندان و تلاش در جهت بهبود آن در همه خانواده‌ها کم و بیش وجود دارد. اینکه چرا برخی از دانش‌آموزان در شرایط تحصیلی یکسان در مدرسه دچار افت تحصیلی می‌شوند و سایرین پیشرفت می‌کنند، مطمئناً دلایلی دارد که خارج از چارچوب مدرسه و در نهاد خانواده یا به نحوی مرتبط با آن می‌باشد. موقعیت اجتماعی - فرهنگی و پایگاه اقتصادی و وضعیت مالی از یک سو و نوع ارتباط و ویژگی‌های والدین، میزان صمیمیت و شناخت از نحوه ارتباط با فرزندان از جانب دیگر هر کدام می‌توانند تأثیر متفاوتی داشته باشند که با شناخت میزان اهمیت آن‌ها و چگونگی تغییر و تعدیل هر دسته از این عوامل در مطالعه حاضر می‌توان به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یاری رساند.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

ملاحظه پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که مطالعات زیادی در مورد عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی انجام شده است و در هر یک از این پژوهش‌ها تعدادی از عوامل مؤثر مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش تأکید ما به تحقیقاتی است که به تأثیر عوامل خانوادگی پرداخته‌اند.

تعداد زیادی از مقالات تئوری و مطالعات تجربی، تأثیر تحصیلات والدین، موقعیت اجتماعی - اقتصادی یا طبقه را بر پیشرفت یا افت تحصیلی دانش‌آموزان تأیید می‌کنند. مطالعاتی که در کشورهای مختلف درباره نابرابری آموزشی انجام شده است، نشان می‌دهد که زمینه اجتماعی و خانوادگی از عوامل تأثیرگذار بر عملکرد تحصیلی افراد می‌باشند. مشهورترین تحقیقات در این زمینه درباره تأثیر نژاد و خانواده یا طبقه بر پیشرفت یا افت تحصیلی است (هیلمرت و جاکوب^۱، ۲۰۰۴).

1 . Hillmert and Jacob

جیلانی ماندرا^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی درباره تأثیر عوامل خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی پسران آمریکایی آفریقایی تبار به اهمیت عوامل خانوادگی بر پیشرفت تأکید کرده است. او در این مقاله انتقادی به بررسی تجربی اثر سبک‌های فرزندداری، انضباط فیزیکی و نژادی جامعه و دخالت مستقیم والدین در پیشرفت تحصیلی پرداخت و به این نتیجه رسید که افرادی که به ویژگی‌های خانوادگی، طبقاتی و نژادی خود افتخار می‌کنند، پیشرفت تحصیلی بیشتری از خود نشان می‌دهند.

همچنین هس و هولوی (۱۹۴۸) طی مطالعاتی که در مورد کودکان پیش‌دبستانی، دبستان و راهنمایی انجام دادند، پنج فرایند تعامل کلامی بین مادر و کودک، انتظار والدین از پیشرفت تحصیلی فرزندان، رابطه عاطفی مثبت بین والدین و کودک، نظر والدین درباره کودک، نظارت و کنترل را در رابطه با خانواده و پیشرفت تحصیلی مطرح کردند. همچنین در مطالعه‌ای که ای. اچ هالسی^۲ و دیگران انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات و موفقیت فرزندان به طور مستقیم تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی خانواده و خصوصاً شغل پدر قرار دارد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۶۷). سه عامل مدرسه، خانواده و جامعه در تعامل با یکدیگر پیشرفت تحصیلی نوجوانان را به خوبی ارزیابی می‌کنند (ماویس. جی ساندرز^۳، ۱۹۹۶). پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تحت تأثیر والدین، معلمان و همسالان می‌باشد و این سه متغیر با یکدیگر می‌توانند عملکرد دانش‌آموز را به خوبی پیش‌بینی کنند (مارچانت^۴ و دیگران، ۲۰۰۱). همچنین تحقیقات نشان می‌دهد ساختار خانواده، خصوصاً مشارکت مداوم والدین در امور مدرسه، دخالت والدین در امر تحصیل و درک دانش‌آموز از خانواده در امر آموزش و مدرسه از فاکتورهای موفقیت دانش‌آموز است (صبری عبدالفتاح^۵، ۲۰۰۶) به طوری که «عامل اصلی و اولیه موفقیت کودک پشتیبانی و حمایت والدین (سنت انجین دمیر^۶، ۲۰۰۹) و عامل دوم، عوامل مربوط به مدرسه است»

1. Jelani Mandara
2. A. H. Halsey
3. Mavis G. Sanders
4. Marchant
5. M. Abd-El-Fattah, Sabry
6. Cennet Engin-Demir

(جیمز مک اینتاش^۱، ۲۰۰۸) جاگپریت کاور و دیگران^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی دربارهٔ ارتباط محیط خانوادگی و موفقیت تحصیلی با خودپنداره نوجوانان، معتقدند که پاداش و مهرورزی به فرزند، همبستگی مثبت با پیشرفت تحصیلی آنان دارد.

در بین تحقیقات داخلی از بین متغیرهای مورد بررسی، تحصیلات والدین تأثیر زیادی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. تحصیلات پدر و مادر با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطهٔ معنی‌داری دارد (کرمی، ۱۳۸۴) و تحصیلات پدر معدل و پیشرفت تحصیلی فرزندان را افزایش می‌دهد (مولوی، ۱۳۷۴). همچنین مادرانی که تحصیلات بالای دیپلم و دانشگاهی دارند، فرزندان خود را در امر تحصیل بیشتر تشویق می‌کنند و فضای خانواده را برای تحصیل فرزندان آرام و هماهنگ می‌کنند. (غلامعلی و دیگران، ۱۳۸۶). بیابانگرد (۱۳۷۸) در تبیین این رابطه معتقد است، پایین بودن سطح تحصیلات و فرهنگ خانواده در درجهٔ اول سبب می‌شود که خانواده نتواند کمک‌های درسی لازم را به دانش‌آموزان ارائه کرده و در حل مشکلات درسی آن‌ها را یاری کند. پایین بودن سطح تحصیلات خانواده سبب می‌شود که والدین نتوانند در خانه از روزنامه، مجلات و کتاب‌های کمکی استفاده کنند. در نتیجه فرزندان چنین خانواده‌هایی نیز از این لحاظ در محرومیت به سر می‌برند. والدین کم‌سواد یا بی‌سواد معمولاً کم‌تر به مسائل پیشرفت تحصیلی فرزندان خود فکر می‌کنند."

تحصیلات، حتی در صورت وجود مشکلات خانوادگی نیز می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبتی داشته باشد به طوری که در یک تحقیق، دانش‌آموزانی که دارای مشکلات حاد خانوادگی بوده‌اند اما والدین آن‌ها تحصیلات بالاتری داشته‌اند، از دانش‌آموزان با شرایط مشابه اما با والدین کم‌سواد، پیشرفت تحصیلی بهتری از خود نشان داده‌اند (بهرامی و مختاری، ۱۳۸۴)، در این تحقیق، به تبیین علت آن پرداخته نشده است، اما می‌توان این رابطه را به وضعیت اقتصادی خانواده که با تحصیلات، همپایه است نسبت داد که تأثیر بیشتری از ناسازگاری والدین دارد؛ به طوری که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مشکل فقر، بیشترین مانع برای پیشرفت تحصیلی ایجاد کرده است. نوع مشکل نیز در این باره

1 . James Mc Intosh

2 . Jagpreet Kaur, J. S. Rana and Rupinder Kaur

می‌تواند باعث تفاوت دانش‌آموزان در موفقیت تحصیلی گردد؛ دانش‌آموزانی که مشکل فوت یا شهادت والدین را داشته‌اند نسبت به کسانی که مشکل ناسازگاری، وجود بیماری روانی در خانه، فقر و یا مشکل مضاعف دارند وضعیت تحصیلی بهتری داشته‌اند. همچنین کسانی که مشکل طلاق والدین را داشته‌اند نسبت به کسانی که مشکل فقر و یا مشکل مضاعف داشته‌اند وضعیت تحصیلی بهتری داشته‌اند. در مجموع می‌توان گفت بدترین حالت از نظر تحصیلی زمانی به وجود آمده است که دانش‌آموز دو یا چند مورد از مشکلات حاد خانوادگی را همزمان داشته است (همان: ۴۹). تفاوت در موفقیت یا عدم موفقیت تحصیلی را می‌توان ناشی از تفاوت منبع کنترل دانست که باعث کوشش‌های متفاوت آنان می‌شود؛ به طوری که بر اساس نظریه منبع کنترل، افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند، معتقدند رفتارها یا مهارت‌های آنان در تقویت‌هایی که دریافت می‌کنند، اثری ندارد و در کوشش برای بهبود موقعیت خود فایده‌ای نمی‌بینند؛ آنان به امکان کنترل زندگی خود در زمان حال و یا آینده باور چندانی ندارند؛ اما کسانی که دارای جهت‌گیری درونی هستند معتقدند که کنترل کاملی بر زندگی خود دارند و براساس این باور رفتار می‌کنند؛ آنان ارزش بیشتری به مهارت‌ها و پیشرفت‌های شخصی خود می‌دهند و برای قبول مسئولیت اعمال خود آمادگی بیشتری دارند (شولتز، ۱۳۷۸).

سایر عوامل خانوادگی همچون سبک فرزندپروری، ساخت خانواده، ابعاد خانواده و تعامل بین اعضاء خانواده، روش‌های تربیتی والدین و میزان انتظار والدین از موفقیت فرزندان (عابدی و عریضی، ۱۳۸۴). عزت نفس، فضای روانی - عاطفی خانواده، نگرش والدین و خود دانش‌آموز با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه معناداری دارند (ابوالفضل کرمی، ۱۳۸۴). فضای درونی خانواده از جمله خشونت والدین از مهمترین موانع پیشرفت محسوب می‌شوند؛ در چنین محیطی ترس و وحشت بر افراد غلبه دارد؛ تمایلات و احتیاجات فرزندان به هیچ وجه مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ بچه‌هایی که در چنین خانواده‌هایی رشد می‌کنند احساس امنیت نمی‌کنند؛ جرأت اظهار نظر ندارند و در نتیجه استعداد و مهارت‌های آن‌ها فرصت بروز پیدا نمی‌کند؛ در ظاهر حالت تسلیم و اطاعت از خود نشان می‌دهند و در مقابل دیگران حالت خصومت و دشمنی به خود می‌گیرند (حسین‌پور و همکاران، ۱۳۷۹).

وقتی محیط خانواده آکنده از محبت و احترام باشد، دانش‌آموز از آن احساس رضایت می‌کند؛ از تشویق و دلگرمی والدین خود برخوردار می‌شود؛ از بودن با اولیای خود لذت می‌برد؛ محیط خانه را به محیط بیرون از خانه ترجیح می‌دهد و از کمک و راهنمایی والدین خود بهره‌مند می‌شود. "اگر والدین نیاز فرزندان را بر نیاورند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیت‌ها یا افراد جدید از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نخواهند بود (هیلگارد و اتکینسون، نقل از براهنی، ۱۳۷۲).

علاوه بر جو عاطفی خانواده، شغل خصوصاً شغل پدر نیز در تحقیقات انجام شده بر پیشرفت تحصیلی موثر بوده است (مولوی، ۱۳۷۴)؛ درآمد خانواده و نوع منزل مسکونی نیز تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی دارد (کرمی، ۱۳۸۴). به طوری که دانش‌آموزان طبقات بالا و مرفه به دلیل داشتن اعتماد به نفس بیشتر، شیوه‌های تربیتی مناسب‌تر، استفاده از امکانات آموزشی بیشتر و حساسیت و علاقه والدین به وضعیت تحصیلی‌شان، در مجموع پیشرفت تحصیلی بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ این سیر تسلسل نابرابری‌های آموزشی و تحصیلی نیز به نوبه خود نابرابری‌های پایگاهی و طبقاتی را به دنبال دارد (جلالی، ۱۳۸۶). وضعیت و پایگاه اقتصادی بالای خانواده، قدرت فراهم کردن امکانات و رسانه‌های آموزشی را برای فرزندان مهیا می‌کند، که طبق تحقیقات خارجی و داخلی انجام شده بر پیشرفت تحصیلی تأثیر معنی‌داری دارد (لوپس و مایلز، ۲۰۰۱)، به نقل از رنجبر، ۱۳۸۸). پژوهشی تحت عنوان «تأثیر استفاده از فناوری در یادگیری دانش‌آموزان» انجام دادند و نتایج آن نشان داد که استفاده از چند رسانه‌ای تعاملی باعث می‌شود که دانش‌آموزان بسیار فعال بوده و نسبت به یادگیری خود مسئول باشند. آموزش از طریق رایانه هم باعث افزایش پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان می‌شود و هم در آنان نگرش مثبت‌تری نسبت به فعالیت‌های آموزشی ایجاد می‌کند (ارمود، ۱۹۹۵). فاطمی (۱۳۸۲) به مطالعه تأثیر آموزش به کمک رایانه و آموزش به روش سخنرانی در درس ریاضی در دانش‌آموزان دختر شهر تهران پرداخت؛ نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که آموزش رایانه در خلاقیت دانش‌آموزان، مؤثر است و «فیلم ویدئویی در مقایسه با تدریس معلم به شیوه سخنرانی، باعث یادگیری بهتر درس ریاضی می‌شود» (آیتی، ۱۳۷۵). همچنین شبکه‌های

اطلاع‌رسانی بر یادگیری ادبیات فارسی اثر مثبت داشته است (پورجمشیدی، ۱۳۸۱).
 جیمز کلمن^۱ نیز پیرامون نابرابری در آموزش و پرورش آمریکا و به خصوص نابرابری‌های ناشی از اختلافات مربوط به زمینه‌های قومی، مذهبی و ملی معتقد است، منابع مادی فراهم شده در مدارس چندان تفاوتی در عملکرد آموزشی به وجود نمی‌آورند، بلکه عامل تعیین‌کننده، زمینه خانوادگی و اجتماعی کودکان است. به گفته کلمن، نابرابری‌هایی که به وسیله خانه و محله به کودکان تحمیل می‌شود، ادامه می‌یابد و بعداً به صورت نابرابری‌هایی درمی‌آید که افراد در پایان مدرسه و زندگی بزرگسالی با آن مواجه می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۴۶۵).

ریمون بودون^۲ در یک دسته‌بندی از تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، چهار عامل مهم را در زمینه پیشرفت تحصیلی مطرح می‌کند که عوامل مد نظر وی عبارتند از:

۱. ارزش‌های طبقه کارگر و تأثیر آن بر انگیزه موفقیت

۲. تأثیر طبقه اجتماعی بر فنون کلاس و زبان

۳. فرضیه محاسبه هنر

۴. مرتبه تولد فرزند و حجم خانواده

از نظر ریمون، بودن پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با میزان تحصیلات والدین رابطه مستقیم دارد. هرچه تحصیلات والدین بالا باشد، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز بیشتر است و هرچه تحصیلات والدین پایین باشد، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز کمتر است (بودون، ۱۳۶۴: ۷۶).

از نظر سنت تحلیلی قدرت نیز می‌توان عوامل مختلفی را در زمینه قشربندی اجتماعی و نابرابری‌های موجود اجتماعی در نظر گرفت که اکثراً به ملاک‌های مهم ثروت، قدرت و منزلت اشاره می‌شود؛ وجود هر کدام از این عوامل در دست‌عده‌ای منجر به تشکیل قشرهای اجتماعی نظیر طبقه، حزب و گروه اجتماعی می‌گردد. چند مورد از فرضیه‌های اصلی این نظریه نظریه‌پرداز عبارتند از: هرچه اعضاء خانواده دارای مشاغل بالا باشند، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیشتر است و هرچه اعضاء خانواده دانش‌آموز دارای مشاغل پایین باشند، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمتر است. با بالا رفتن درآمد

1. James Coleman
 2. Boudon Raymond

خانواده، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز بیشتر می‌شود تا زمانی که به حد مطلوب خود برسد و پس از یک حد نهایی درآمد در پیشرفت تحصیلی تأثیر مثبت نمی‌گذارد (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۳).

دوگلاس^۱ معتقد است که پیشرفت تحصیلی، عمدتاً به چند عامل بستگی دارد که عبارتند از: سلامت دانش‌آموز، تعداد افراد خانواده و کیفیت مدرسه. چنین به نظر می‌رسد که مهم‌ترین عامل عبارت بود از میزان علاقه والدین به تربیت فرزندانشان. به طور کلی، والدین طبقات متوسط با مراجعه بیشتر به مدرسه و بحث درباره پیشرفت تحصیلی فرزندانشان، علاقه بیشتری به پیشرفت وضعیت تحصیلی آنان داشتند و بیشتر، آن‌ها را به این کار ترغیب می‌کردند. دوگلاس دریافت که علاقه والدین و تشویق آنان، در جریان رشد دانش‌آموزان، به طور فزاینده‌ای در کسب موفقیت تحصیلی ادامه می‌یابد. وی همچنین برای سال‌های اولیه تربیت کودک، اهمیت بیشتری قائل است و معتقد است عملکرد سال‌های نخستین در سراسر دوره دبیرستان منعکس می‌شود و کودکانی که هنگام اجتماعی شدن اولیه، تحرک و توجه بیشتری از والدین خود دریافت می‌کنند، پایه موفقیت تحصیلی را در نظام‌های بالاتر بنا می‌کنند (هارالامپوس^۲، ۱۳۶۹: ۶۷).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به ماهیت و اهداف، مقطعی بوده و از روش پیمایشی استفاده شده است. این پژوهش، نوعی مطالعه همبستگی چندمتغیری است و متغیرهای دخیل در این پژوهش عبارتند از: ویژگی‌های خانوادگی شامل میزان تحصیلات والدین، ابعاد خانواده، میزان درآمد خانواده، مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان، خشونت خانوادگی و غیره. در این مطالعه، ویژگی‌های فردی و خانوادگی آزمودنی‌ها و معدل کل دیپلم آن‌ها جمع‌آوری شد و پس از گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم افزار (SPSS) انجام شده است.

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی شهر یزد می‌باشند، تعداد این دانش‌آموزان ۱۱۰۰ نفر بود، که بر اساس فرمول کوکران ۱۳۰ نفر از آن‌ها به طور

1. douglas, J.W.B: the home and the school
2. michael haralampos

تصادفی انتخاب شده و مورد بررسی قرار گرفتند. روش محاسبه فرمول کوکران به این صورت است:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

که در این فرمول n حجم نمونه، N حجم جامعه آماری، t سطح اطمینان قابل قبول، p نسبتی از جمعیت دارای صفتی معین، q نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین و d دقت احتمالی مطلوب یا فاصله اطمینان می‌باشند.

فرضیات

- بین میزان تحصیلات والدین (پدر و مادر) و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد خانواده و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.
- بین جو مناسب عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت والدین در امر تحصیلات دانش‌آموز و موفقیت تحصیلی او رابطه وجود دارد.
- بین میزان خشونت خانوادگی و پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد.
- بین میزان استفاده از وسایلی مانند کامپیوتر، کلاس‌های فوق برنامه و زبان و غیره و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از رسانه‌ها و پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد.

آزمون‌های آماری به کار رفته در این پژوهش، آزمون‌های t ، F ، ضریب همبستگی و رگرسیون چندمتغیره بوده است. روایی (Validity) این پرسشنامه با استفاده از روش اعتبار محتوا با نظر متخصصان و پایایی (reliability) آن از طریق همسانی درونی به وسیله آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. میزان آلفای به دست آمده، معرف‌ها و تعداد گویه‌ها برای هر یک از متغیرها در جدول زیر آورده شده است.

جدول شماره ۱. میزان آلفای کرونباخ معرف‌ها و تعداد گویه‌های شاخص‌ها

آلفای کرونباخ	گویه‌ها	شاخص
۰/۷۹	دوست داشته شدن و دوست داشتن اعضای خانواده مورد توهین یا تحقیر واقع نشدن عدم استفاده از کلمات تحقیرآمیز برای یکدیگر عدم تبعیض یا مقایسه میان فرزندان با یکدیگر یا با دیگران	جو مناسب عاطفی
۰/۶۸	اطلاع از وضعیت درسی دانش‌آموز از طریق ارتباط با مدرسه کمک به دانش‌آموز در انجام تکالیف درسی پرسیدن از خود دانش‌آموز در باره وضعیت درسی او مشارکت و عضویت والدین در گردهمایی‌های مدرسه	مشارکت والدین
۰/۷۶	میزان استفاده از کلاس‌های خصوصی میزان استفاده از کلاس‌هایی مانند زبان و کامپیوتر میزان استفاده از کتاب‌های کمک درسی میزان استفاده از برنامه‌های مشاوره تحصیلی	استفاده از وسایل کمک آموزشی
۰/۸۵	مورد آزار و ضرب و شتم قرار گرفتن مورد تهدید قرار گرفتن وجود اختلافات مداوم خانوادگی مورد تهدید یا آزار بودن سایر اعضای خانواده	خشونت خانوادگی
۰/۸۴	میزان استفاده از تلویزیون میزان استفاده از رادیوهای داخلی و خارجی میزان استفاده از مطبوعات میزان استفاده از اینترنت، شبکه‌های مجازی و ماهواره و	استفاده از رسانه‌ها

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۲. توزیع پاسخگویان بر اساس متغیرهای مستقل زمینه‌ای

متغیر مستقل	سطوح متغیر	تعداد	درصد	متغیر مستقل	سطوح متغیر	تعداد	درصد
میزان تحصیلات پدر	بی‌سواد	۱۱	۸/۵	میزان درآمد خانواده	زیر ۲۵۰ هزار تومان	۱۷	۱۳/۱
	ابتدایی	۲۰	۱۵/۴		از ۲۵۱ تا ۴۵۰ هزار تومان	۶۱	۴۶/۹
	متوسطه	۶۰	۴۶/۲		از ۴۵۱ تا ۶۰۰ هزار تومان	۴۲	۳۲/۳
	دانشگاهی	۳۹	۳۰		بیشتر از ۶۰۱ هزار تومان	۱۰	۷/۷
میزان تحصیلات مادر	بی‌سواد	۵	۳/۸	تعداد فرزندان (بعد خانواده)	کمتر از ۳ فرزند	۳۸	۲۰/۲۹
	ابتدایی	۴۰	۳۰/۸		۳ تا ۵ فرزند	۷۵	۵۷/۷
	متوسطه	۶۹	۵۳/۱		۵ تا ۷ فرزند	۱۵	۱۱/۵
	دانشگاهی	۱۶	۱۲/۳		بیشتر از ۷ فرزند	۲	۱/۵

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در میزان تحصیلات پدر و مادر، بیشترین درصد مربوط به سطح تحصیلات راهنمایی و متوسطه می‌باشد (حدود ۴۶/۲٪ پدران و ۵۳/۱٪ مادران). در مورد سطح درآمد، بیشترین میزان درآمد مربوط به ۲۵۱ تا ۴۵۰ هزار تومان می‌باشد و بیشترین درصد مشاهده شده در بعد خانوار، مربوط به خانواده‌های دارای ۳ تا ۵ فرزند است. همچنین ۲۹/۲ درصد پاسخگویان رشته علوم انسانی، ۳۵/۴ درصد ریاضی و فیزیک و ۳۵/۴ درصد رشته علوم تجربی بوده‌اند.

جدول شماره ۳. توزیع پاسخگویان بر اساس متغیرهای مستقل زمینه‌ای

شاخص (متغیرهای مستقل)	حداقل	حداکثر	میانگین
معدل دیپلم	۱۲/۱	۱۹/۸۵	۱۶/۵
جو مناسب عاطفی	۷	۲۰	۱۵/۲
مشارکت والدین	۸	۱۸	۱۷/۵
خشونت خانوادگی	۶	۱۷	۱۲/۴
استفاده از رسانه‌ها	۵	۱۸	۱۴/۶

جدول شماره ۳ میانگین متغیرها را در نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد. میانگین نمره دیپلم دانش‌آموزان ۱۶/۵، میانگین جو مناسب عاطفی ۱۵/۲، میانگین مشارکت والدین در امور درسی فرزندان ۱۷/۵، میانگین خشونت خانوادگی ۱۲/۴ و میانگین استفاده از رسانه ۱۴/۶ بوده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، ابتدا از روش تحلیل واریانس یک طرفه (F) استفاده شد و میانگین گروه‌های مختلف، مورد مقایسه قرار گرفت، که نتایج آن در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس (F) بین متغیرهای خانوادگی و پیشرفت تحصیلی

نام متغیر	سطح متغیر	میانگین	F	سطح معنی‌داری
میزان تحصیلات پدر	بی‌سواد	۱۶.۲۹	۶.۵۴	۰/۰۰۰
	ابتدایی	۱۵.۶۰		
	راهنمایی یا متوسطه	۱۶.۱۴		
	دانشگاهی	۱۷.۵۶		
میزان تحصیلات مادر	بی‌سواد	۱۶.۲۸	۲.۷۲	۰/۴۷
	ابتدایی	۱۶.۰۲		
	راهنمایی یا متوسطه	۱۶.۵۲		
	دانشگاهی	۱۷.۶۵		
میزان درآمد خانواده	زیر ۲۵۰ هزار تومان	۱۵.۰۴	۷.۴۷	۰/۰۰۰
	از ۲۵۱ تا ۴۵۰ هزار تومان	۱۶.۲۷		
	از ۴۵۱ تا ۶۰۰ هزار تومان	۱۷.۰۷		
	بیشتر از ۶۰۱ هزار تومان	۱۷.۹۸		

(N=۱۳۰)

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، از متغیرهای مورد بررسی با آزمون (F) متغیر تحصیلات پدر با سطح معناداری (sig = ۰/۰۰۰) می‌باشد و این نشان می‌دهد این متغیر با پیشرفت تحصیلی فرزند، ارتباط معنادار داشته و فرضیه ارتباط بین این دو تأیید می‌شود. دانش‌آموزانی که تحصیلات پدرشان ابتدایی بوده، کمترین میزان پیشرفت

تحصیلی را از خود نشان داده‌اند و کسانی که تحصیلات پدرشان دانشگاهی بوده، بیشترین میزان پیشرفت تحصیلی را دارند.

فرض ارتباط بین میزان تحصیلات مادر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با سطح معناداری ($\text{sig} = .47$) رد شد، زیرا سطح معنی‌داری آن از حد مورد انتظار ($\text{sig} = 0/05$) بیشتر است.

اما بین میزان درآمد خانوار و میزان پیشرفت تحصیلی با ($\text{sig} = .000$) ارتباط معنادار وجود دارد؛ هر چه میزان درآمد خانواده افزایش می‌یابد، پیشرفت تحصیلی نیز بهبود می‌یابد و فرض ارتباط بین این دو متغیر نیز تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون همبستگی بین میزان پیشرفت تحصیلی و متغیرهای خانوادگی

متغیر مستقل	همبستگی پیرسون	Sig
ابعاد خانواده	-۰/۵۰۹	۰/۰۰۰
جو مناسب فرهنگی و روانی خانواده	۰/۴۸۵	۰/۰۰۰
استفاده از وسایلی مانند کامپیوتر و کلاس‌های مختلف	-۰/۲۴۲	۰/۰۰۰
خشونت خانوادگی	-۰/۱۵	۰/۰۹۰
مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزند	۰/۵۹۴	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌ها	-۰/۴۵۱	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، بین متغیر ابعاد خانواده و پیشرفت تحصیلی، ضریب همبستگی مشاهده‌شده منفی است ($-0/509$) و این رابطه از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($\text{Sig} = 0/000$) و هر قدر ابعاد خانواده افزایش یابد، میزان پیشرفت تحصیلی کاهش می‌یابد.

منظور از جو روانی و فرهنگی خانواده، عواملی مانند عدم تبعیض، تحقیر، سرزنش و بی‌توجهی به فرزند از سوی والدین و مقایسه نادرست فرزندان با همسالان موفق است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، جو مناسب عاطفی و فرهنگی خانواده می‌تواند از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان باشد. در این پژوهش، همبستگی مشاهده‌شده

بین این دو متغیر حدود $0/485$ می‌باشد. با توجه به سطح معناداری ($Sig=0/000$)، رابطه این دو متغیر نیز به لحاظ آماری، معنادار می‌باشد و نشان می‌دهد که هرچه جو عاطفی خانواده مناسب‌تر باشد، میزان پیشرفت تحصیلی نیز بیشتر است.

بین دو متغیر میزان دسترسی به رسانه و استفاده از وسایلی مانند کامپیوتر، کلاس‌های غیر درسی و آموزشی مانند زبان و غیره با میزان پیشرفت تحصیلی، همبستگی معناداری مشاهده گردید ($Sig = 0/000$) که این همبستگی منفی بود؛ یعنی هر قدر میزان استفاده از این وسایل بیشتر باشد، پیشرفت تحصیلی کمتر می‌شود.

خشونت خانوادگی، شامل دشنام، آزار و اذیت فرزندان توسط والدین یا بین خود والدین می‌باشد. در این مورد، یافته‌ها بسیار پراکنده بود و همبستگی مشاهده شده در سطح معناداری قرار نگرفت ($Sig = 0/090$)، بین این متغیر با پیشرفت تحصیلی نیز ارتباط معناداری مشاهده نشد.

مشارکت والدین در امور تحصیل فرزند نیز شامل اطلاع والدین از اوضاع تحصیلی، علاقه‌مندی آن‌ها به ادامه تحصیل فرزند، کمک در رفع مشکلات درسی آن‌ها و همکاری با مدرسه می‌باشد. ضریب همبستگی $0/594$ و سطح معناداری ($Sig = 0/000$) می‌باشد. به نظر می‌رسد این متغیر قوی‌ترین رابطه را با متغیر پیشرفت تحصیلی دارد؛ یعنی هر قدر مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزند بیشتر باشد، میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز نیز بیشتر است.

به منظور تبیین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس متغیرهای خانوادگی از رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام استفاده شد و در مجموع از ۵ متغیر وارد شده در مدل رگرسیون تعداد ۳ متغیر باقی ماندند. که ضریب همبستگی آن با پیشرفت تحصیلی $R= 0/685$ ، ضریب تعیین برابر با ($R\ Square=0/469$) و ضریب تعیین خالص برابر با $0/457$ می‌باشد و این ضرایب نشان‌دهنده این است که حدود $45/7$ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی، توسط متغیرهای خانوادگی موجود در مدل رگرسیونی تبیین می‌شود.

همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده نیز معنادار است؛ زیرا مقدار F برای تعیین سطح معناداری اثر متغیرهای مستقل بر میزان

پیشرفت تحصیلی برابر با $۳۶/۸۴۰$ و سطح معناداری ($Sig = ۰/۰۰۰$) می‌باشد.

جدول شماره ۶. خروجی مدل رگرسیون برای تبیین پیشرفت تحصیلی بر اساس متغیرهای خانوادگی

Sig	t	ضرایب خام		متغیر مستقل	
		ضریب استاندارد	Beta		Std .Error
۰/۰۰۰	۱۱/۴۸۹			مقدار ثابت α	
۰/۰۰۰	۵/۱۴۵	۰/۳۹۶	۰/۰۶۷	۰/۳۴۷	مشارکت والدین در امور تحصیلی دانش‌آموز
۰/۰۰۰	۳/۷۵۶	۰/۲۷۶	۰/۱۰۸	۰/۴۰۵	جو فرهنگی و روانی خانواده
۰/۰۱۳	۲/۵۱۴	۰/۱۹۱	۰/۰۴۸	۰/۱۲۰	بعد خانواده (تعداد فرزندان)

در مجموع، طبق اطلاعات جدول فوق و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد نشده، ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت آلفا (α) برابر با $۱۲/۶۱۵$ ، مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان با $۰/۳۴۷$ ، جو فرهنگی و روانی خانواده با $۰/۴۰۵$ و بعد خانواده با $۰/۱۲۰$ در تبیین میزان پیشرفت تحصیلی سهم معنی‌داری دارند.

در نهایت با حذف مقدار ثابت آلفا از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای مستقل، ملاحظه می‌گردد که متغیر میزان مشارکت والدین در امور تحصیلی فرزندان با بیشترین تاثیر مثبت ($۰/۳۹۶$)، جو عاطفی و روانی خانواده و بعد خانواده دومین و سومین عوامل مؤثر را در پیش‌بینی میزان پیشرفت تحصیلی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

اگر نظام آموزشی و جامعه، خواهان فراهم آوردن آموزش و پرورش با کیفیت برای همه دانش‌آموزان و رسیدن به برتری در کیفیت آموزش و پرورش می‌باشند، باید تمام علل بالقوه و بالفعل لازم برای این امر را شناسایی کرده و به کار گیرند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت آموزش، خانواده و ویژگی‌های خانوادگی فرد است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ویژگی‌های خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی انجام شد. ویژگی‌های خانوادگی مورد بررسی در این پژوهش عبارت بودند از میزان تحصیلات پدر و مادر، میزان درآمد، بعد

خانواده، جو فرهنگی و روانی خانواده و میزان مشارکت والدین در امر تحصیلات. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه تحلیل واریانس یک‌طرفه، همبستگی و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس (F) نشان داد که بین عامل میزان تحصیلات پدر و پیشرفت تحصیلی، ارتباط معنادار وجود دارد ($F = ۶.۵۴$ و $Sig = ۰/۰۰۰$) و این یافته با یافته‌های مولوی (۱۳۷۴) و کرمی (۱۳۸۴) همسو می‌باشد که معتقدند تحصیلات پدر بر میزان پیشرفت تحصیلی تأثیر دارد.

بین میزان تحصیلات مادر با میزان پیشرفت تحصیلی، ارتباط معناداری وجود ندارد ($F = ۲.۷۲$ و $Sig = ۰/۴۷$) و این یافته‌ها در تضاد با یافته‌های مسعود غلامعلی و کیوان‌زاده (۱۳۸۶) می‌باشد که معتقدند تحصیلات مادر تأثیر مستقیمی بر پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد.

بین متغیر میزان درآمد و پیشرفت تحصیلی، ارتباط مشاهده‌شده معنی‌دار است ($F = ۷.۴۷$ و $Sig = ۰/۰۰۰$). نتایج این پژوهش، همسو با یافته‌های ابوالفضل کرمی (۱۳۸۴)، صبری عبدالفتاح (۲۰۰۶)، حسین مولوی (۱۳۷۴) می‌باشد و بخشی از یافته‌های آنان را تأیید می‌کند.

سایر متغیرهای مستقل مورد بررسی با شیوه همبستگی و رگرسیون چندمتغیره بررسی شدند و نتایج این بررسی به شرح زیر است: بین متغیر بعد خانواده و پیشرفت تحصیلی در این پژوهش، ارتباط منفی و معناداری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش بعد خانواده، میزان پیشرفت تحصیلی کاهش می‌یابد؛ این مورد با یافته‌های عابدی و عریضی (۱۳۸۴) همسو می‌باشد.

خشونت خانوادگی، شامل دشنام، آزار و اذیت فرزندان توسط والدین یا اختلاف و درگیری بین خود والدین می‌باشد. در این مورد، یافته‌ها بسیار پراکنده بوده و همبستگی مشاهده‌شده در سطح معناداری قرار نمی‌گیرد ($Sig = ۰/۰۹۰$)؛ زیرا سطح معناداری از حد مورد انتظار بیشتر است؛ بین این متغیر نیز با پیشرفت تحصیلی، ارتباط معناداری مشاهده نشد.

بین متغیر جو فرهنگی و روانی خانواده با پیشرفت تحصیلی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ این نتایج با یافته‌های کرمی (۱۳۸۴)، عابدی و عریضی (۱۳۸۴) صبری

عبدالفتاح (۲۰۰۶)، جیمز مک اینتاش (۲۰۰۸)، فاطمه بهرامی و احمد مختاری (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در ارتباط با میزان استفاده از رسانه‌ها و دسترسی به وسایلی مانند کامپیوتر، کلاس-هایی مانند زبان و غیره، نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بین این متغیر با پیشرفت تحصیلی، ارتباط منفی و معناداری وجود دارد؛ این مورد ممکن است به این دلیل باشد که مقداری از وقت مفید دانش‌آموز که می‌تواند صرف مطالعه و درس خواندن شود، صرف کارهای غیر درسی می‌شود.

و اما عاملی که بیش از همه متغیرها میزان پیشرفت تحصیلی را تبیین می‌کند، میزان مشارکت والدین در امور تحصیلی دانش‌آموزان (همبستگی $0/594$ و $0/000$ Sig) می‌باشد که این با یافته‌های ماویس. جی ساندرز (۱۹۹۶)، جیمز مک اینتاش (۲۰۰۸)، صبری عبدالفتاح (۲۰۰۶) و دیگران همسو می‌باشد.

در مجموع، برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی بر مبنای ویژگی‌های خانوادگی از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که میزان مشارکت و اطلاع والدین از امور تحصیلی فرزندان بهترین پیش‌بینی‌کننده میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌باشد.

پیشنهادات

در این مبحث، پیشنهادات پژوهشی و کاربردی ارائه می‌گردد. در ارتباط با تاثیرات خانواده بر افت یا پیشرفت تحصیلی، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در این خصوص و در شهرهای مختلف انجام شود و نتایج آن‌ها در اختیار آموزش و پرورش و والدین گذاشته شود.

از آنجاکه بین جو مناسب عاطفی خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در تحقیق حاضر رابطه معنادار وجود دارد، توصیه می‌شود خانواده‌ها اموری مانند تبعیض، مقایسه کودک با همسالان و دوستان، استفاده از اصطلاحات نامناسب یا گاهاً تحقیر و توهین را در ارتباط با فرزندان کنار بگذارند.

مهم‌ترین امر تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی در پژوهش حاضر، میزان مشارکت والدین در امر تحصیلات دانش‌آموزان است؛ این امر در جامعه ما با استفاده از رسانه‌ها و مطبوعات

باید اطلاع‌رسانی و نهادینه شود و به والدین، آموزش داده شود که در قبال تحصیل فرزندان باید مسئول و متعهد باشند.

از عواملی که سبب افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود، میزان خشونت خانوادگی است که این مسأله باید با تدوین استراتژی‌های مناسب کاهش یابد؛ افزایش آگاهی خانواده‌ها در این زمینه، در بهتر شدن جو خانواده مؤثر است.

از آنجاکه بین میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایلی مانند کامپیوتر، کلاس‌های فوق برنامه و زبان و غیره با پیشرفت تحصیلی، رابطه منفی وجود دارد، والدین باید دقت داشته باشند استفاده دانش‌آموزان از این وسایل را به نحوی تنظیم کنند که کمترین لطمه‌ای به برنامه درسی آن‌ها وارد ننماید.

منابع

- امین فر، مرتضی (۱۳۶۷). علل و عوامل افت تحصیلی. مجلات روانشناسی و علوم تربیتی، تعلیم و تربیت، شماره ۱۳ و ۱۴: ۳۶-۹.
- آیتی، محسن (۱۳۷۵). اثر نوارهای ویدئویی آموزش درس ریاضی (کتاب فیلم) در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، فاطمه و احمد مختاری (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی دارای مشکلات حاد خانوادگی در شهر اصفهان. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۴: ۵۴-۴۱.
- بیابان‌گرد، اسماعیل (۱۳۷۸). روش‌های پیشگیری از افت تحصیلی، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- پورجمشیدی، مریم (۱۳۸۱). بررسی نقش آموزش با کمک شبکه‌های اطلاع‌رسانی بر روی پیشرفت تحصیلی درس ادبیات فارسی دانش‌آموزان دختر سال اول راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۶). تحلیل رابطه نابرابری‌های طبقاتی و نابرابری‌های آموزشی با تأکید بر نقش متغیرهای واسطه‌ای. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۹۱: ۵۳-۱۵.

حسین پور، شهره و کافیان، محمد رضا (۱۳۷۹). آموزش مهارت‌های تخصصی، تهران: دفتر آموزش عمومی وزارت آموزش و پرورش.

رابرتسون، یان (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادین). ترجمه حسین بهروان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

رنجبر، عباسعلی (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در نوآوری آموزش و پرورش: پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، ساری: دانشگاه آزاد اسلامی.

ریمون، بودون (۱۳۶۴). منطق اجتماعی و روش تحلیل مسائل اجتماعی. مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: انتشارات جاویدان

شولتز.د. (۱۳۷۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه کریمی. ی.؛ جمهری. ف؛ نقشبندی، ص؛ گودرزی، ب؛ یحیرای، ه؛ نیکخو، م. تهران: انتشارات ارسباران.

صمدی، معصومه (۱۳۸۶). تأثیر روش‌های تربیتی و خودتنظیمی تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی. تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۱: ۴۸-۴۰.

عابدی، احمد و حمیدرضا عریضی (۱۳۸۴). بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های خانوادگی آنان. فصلنامه خانواده-پژوهی، سال اول، شماره ۲، ۱۴۷-۱۳۹.

عصاره، علیرضا (۱۳۷۸). پیشرفت تحصیلی دغدغه خانواده‌ها. پیوند، شماره ۲۴۲: ۳۷-۳۲

غلامعلی لهسایی، مسعود و دیگران (۱۳۸۶). رابطه فعالیت تحصیلی، انگیزه پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، سال سی و هفتم، شماره ۱: ۹۹ تا ۱۲۳.

فاطمی، مهناز (۱۳۸۲). تأثیر آموزش به کمک کامپیوتر (CAI) و آموزش به روش سخنرانی در درس ریاضی بر روند خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال اول راهنمایی منطقه ۱. ۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

کاشانی، مجید (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: دانشگاه پیام نور.

کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۴). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان. پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره ۴ پاییز: ۱۱۸-۱۰۳.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی

مولوی، حسین (۱۳۷۴). «پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی کودک بر اساس هوش کودک، تحصیلات و شغل پدر. اندیشه و رفتار، سال دوم، شماره ۳: ۱۹-۱۳.

هارالامپوس، مایکل (۱۳۶۹). پیشرفت تحصیلی افتراقی از دیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. ترجمه امان الله صفوی. روانشناسی و علوم تربیتی، تابستان و پاییز ۱۳۶۹ - شماره ۲۲ و ۲۳: ۷۷-۵۹.

هیلگارد و اتکینسون (۱۳۷۲). زمینه روانشناسی. ترجمه براهنی و همکاران. جلد اول، تهران: انتشارات رشد.

Armored, J. E. (1995). *Educational psychology principles and application*. Englewood Cliffs. New York: Mac Grawhill.

Desforges, Charles & Abouchaar, Alberto. (2003). «The Impact of Parental Involvement, Parental Support and Family Education on Pupil Achievements and Adjustment: A Literature Review». *Research report*, no 433: Queen's Printer.

Engin Demir, Cennet. (2009). «Factors influencing the academic achievement of the Turkish urban poor». *International Journal of Educational Development*, vol 29 No: 17-29.

Hillmert, Steffen and Jacob, Marita. (2004). «Social Inequality in Education: A Life-Course Perspective».

Kaur, J Jagpreet, S. Rana and Rupinder Kaur. (2009). «Home Environment and Academic Achievement as Correlates of Self-concept among Adolescents». *Stud Home Comm Sci*, 3(1): 13-17

M. Abd-El-Fattah, Sabry. (2006). «Effects of family background and parental Involvement on Egyptian adolescents' academic achievement and school disengagement: a structural equation modeling analysis», *Social Psychology of Education* 9:139-15.

Mandara, Jelani. (2006). «The Impact of Family Functioning on African American Males' Academic Achievement: A Review and Clarification of the Empirical Literature», *Teachers College Record*, Volume 108, No 2: 206-223

Marchant. G.J. paulson, s. E. and Rothlisberg, B.A. (2001). «Realtion of middle school students, perception of family and school contexts with academic achievement». *Psychology in the school*, 38: 505-519

McIntosh, James. (2008). «Family background, parental Involvement, and Academic Achievement Canadian Schools», *Journal of Economic Literature*

Classification, Numbers I20 -J62:1-23.

Sanders, G Mavis. (1996). «School-Family-Community Partnerships And The Academic Achievement Of african American, Urban Adolescents», *Report No. 7: 1-24*

